

شیوه برخورد حزب به اعتراضات اجتماعی

مصاحبه با حمید تقوایی

اجتماعی که سابقه دارتر و قدیمی تر است جنبش چهل هزار امضا برای افزایش حداقل دستمزدها است. فعالین و نهادهای جنبش کارگری در شکلدهی به این حرکت نقش تعیین کننده ای داشته اند. اما این یک کمپین یا اعتراض مقطعی و محدود به کارگران نیست بلکه یک حرکت اجتماعی و ادامه دار است که اعتراض توده های مردم زیر خط فقر علیه شرایط فلاکت بار حاضر را نمایندگی میکند. یک نمونه دیگر مبارزه علیه آلودگی محیط

که مردم عادی (مثلا خانواده های محکومین به اعدام و خانواده مقتولین و یا زنانی که عکس بی حجاب خود را منتشر میکنند) در زندگی و روابط هر روزه و اجتماعی خود به این حرکتها شکل میدهند. این ویژگیها این حرکتها را از مبارزات و کمپینهای حزبی و یا اعتراضات مقطعی توده ای (اعتصاب، تحصن، تظاهرات، شورش و غیره) متفاوت میکند. باید توجه داشت که این نوع اعتراضات تنها به دو مورد اعدام و حجاب که به آن اشاره کردید محدود نمیشود. یک نمونه بر جسته این نوع حرکتهای

انتروناسیونال: در ماههای اخیر شاهد هستیم که در ایران حرکت های اعتراضی نسبتا گسترده ای علیه اعدام و علیه حجاب شروع شده است. ارزیابی شما از این حرکتها چیست؟ به نظر شما چه شرایط و دلایل سیاسی اجتماعی ای باعث شکلگیری این اعتراضات شده است؟

حمید تقوایی: اولین نکته اینست که این حرکتها جنبشهایی اجتماعی هستند. جنبش به این معنی که برخلاف یک کمپین و یا اعتراض مقطعی، حرکتی مداوم و رو به گسترش هستند و اجتماعی به این معنی

صفحه ۳

حجاب پرچم اسلام سیاسی است

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۵

پیام همدردی با کارگران معدن سوما و سندیکاهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه



صفحه ۲

انتروناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۷

جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۱۶ مه ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

"انرژی هسته ای حق معلق ماست!"

سودآفرینی فاجعه می آفریند!

تجاوز شرعی به زنان و کودکان بیداد میکند!

صفحه ۸

مسببین قتل عام در معدن سوما باید محاکمه شوند!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

دعوت و نشست دولت آلمان و

شرکایش با جانیان

جمهوری اسلامی محکوم است!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران - آلمان

صفحه ۱۲

با تمام قوا برای آزادی

زندانیان سیاسی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران

صفحه ۱۱

پیام همدردی با کارگران معدن سوما و سندیکاهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه

انسانی و حکومت‌های انسانی و سوسیالیستی جای آنها را بگیرند. ما و کارگران و مردم آزادیخواه ایران لحظه به لحظه خبرها را دنبال میکنیم و خود را عمیقاً در کنار شما میدانیم و از تلاش و مبارزه شما و سایر مردم آزادیخواه ترکیه برای کشاندن مسببین این کشتار به دادگاه حمایت میکنیم.

اصغر کریمی
از طرف حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مه ۲۰۱۴

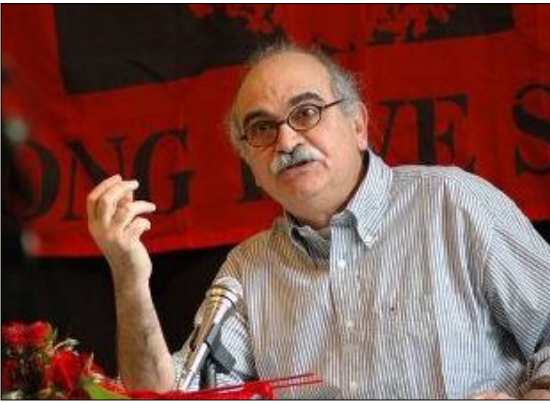
رفقای عزیز کارگر!

فاجعه تکان‌دهنده و بزرگ معدن سوما و جان‌باختن و مفقود و مجروح شدن صدها نفر از همکاران شما قلب میلیون‌ها انسان در سراسر جهان را بدر آورد. ما با تأثر و نگرانی عمیق خبرها را دنبال میکنیم و آرزو میکنیم تعداد هر چه بیشتری از رفقای عزیز که در اعماق معدن گرفتار شده‌اند، جان سالم به در ببرند. به کارگران معدن سوما، خانواده‌های کارگران جانباخته و سندیکاهای کارگران معدن و انرژی، آب و گاز ترکیه صمیمانه تسلیت میگوئیم.

مردم ترکیه و بسیاری از مردم شریف جهان مسببین این فاجعه را بخوبی میشناسند. میدانند که اگر حرص سرمایه‌داران مفتخور نبود و اگر دولت‌های حاکم در ترکیه ذره‌ای انسانیت داشتند این اتفاق و اتفاقات مشابه در زنگولداغ و سایر معادن ترکیه نمی‌افتاد. ریاکاری دولت فاسد ترکیه که از یکطرف از ترس مردم عزای عمومی اعلام میکند و از طرف دیگر معترضین به این اوضاع را با خشونت سرکوب میکند خشم هر انسانی را برمی‌انگیزد. به امید روزی که بشر از شر این نظام غیر انسانی و دولت‌هایی مانند دولت ترکیه و جمهوری اسلامی و امثالهم رهائی یابد و نظامی



شیوه برخورد حزب به اعتراضات اجتماعی مصاحبه با حمید تقوایی



های حکومتی و به همه مردم جهان اعلام کرد که این حکومت را نمی خواهد! کلید مساله انزوا و بی اعتباری اجتماعی جمهوری اسلامی تعامل با غرب نیست! نظامی که در ۶ دی در یک قیام خیابانی تمام موجودیتش ب زیر سوال رفت با وعده تدبیر و امید و اعتدال و برقراری رابطه با غرب مشکلش حل نمیشود! بر عکس این فضا و گفتگمانی است که راه را برای پیشرویهای بیشتر اعتراضات و مبارزات مردم باز میکند. به نظر من اعتراضات اجتماعی ای که شاهد هستیم نشاندهنده کمر راست کردن جامعه از سرکوب ۸۸ و بجالش کشیدن حکومت از طریق تعرض اجتماعی حول خواستها و اهداف مشخص و متعین است. مشخصا مبارزه علیه اعدام و علیه حجاب دو جبهه تعیین کننده ای است که بود و نبود حکومت به آن گره خورده است.

انترناسیونال: شما مطرح کردید که مبارزات جاری علیه اعدام و حجاب و یا برای افزایش دستمزد اعتراضات اجتماعی و متفاوت از کمپینها و مبارزات حزبی است. آیا این نظر به معنی اینست که احزاب و جنبشهای سیاسی نقش و تاثیری بر این مبارزات نداشته اند؟ مشخصا نقش حزب کمونیست کارگری در پیشبرد این کمپینها تا چه حد بوده است؟

حمید تقوایی: حرکتها و اعتراضات اجتماعی محصول مستقیم فعالیت احزاب و جنبشهای سیاسی نیست ولی احزاب و جنبشهای سیاسی در

مساله تحریمها را تماما حل و فصل نخواهد کرد. تنها نتیجه سیاسی و اجتماعی مذاکره با آمریکا و جهتگیری توافق با غرب، بالا گرفتن کشمکشها و دعوای جناحی و استفاده توده معترض مردم از این شرایط برای طرح خواستها و توقعات و انتظارات خود بوده است.

بر متن این فضای عمومی است که ما شاهد شکلگیری اعتراضات اجتماعی نظیر مبارزه علیه اعدام و حجاب و یا اعتراضات علیه آلودگی محیط زیست هستیم. ما از ابتدا اعلام کردیم که مذاکرات و عادی سازی روابط با غرب با تلاطمات و تکانهای شدید همراه خواهد بود و اعتراضات جاری علیه اعدام و حجاب نمونه هائی از این تلاطمات است.

در یک سطح پایه ای تر این شرایط نتیجه مبارزات خود مردم در ایران است. بحران حکومتی جمهوری اسلامی نه حاصل کشمکش با غرب و اختلافات جناحی بر سر این مساله بلکه اساسا و نهایتا نتیجه نارضائی و تفرغ عمومی مردم از حکومت و مبارزات و اعتراضات بی وقفه آنان است. جمهوری اسلامی توانست خیزش انقلابی ۸۸ را در هم بکوبد ولی از پیامدهای سیاسی و اجتماعی انقلاب ۸۸ هیچوقت خلاص نشد. بالا گرفتن اختلافات بین دولت احمدی نژاد و خامنه ای و نهایتا شکست خط اصولگرا در انتخابات و تمکین کردن به خط روحانی - رفسنجانی تنها حاصل درماندگی جمهوری اسلامی در مقابله با جامعه ای است که چهار سال قبل در ابعاد میلیونی به خیابان آمد و صریح و علنی و شفاف به کل دارو دسته

زیست است که در چند ماه اخیر شاهد اعتراضات توده ای متعددی در این زمینه بوده ایم.

زمینه سیاسی - اجتماعی این حرکتها نیز در نهایت حاصل شرایط و توازن قوای جدیدی است که بعد از انتخاب روحانی بین مردم و حکومت برقرار شده است. همانطور که در نوشته های قبلی (از جمله در مصاحبه "اختلافات جناح ها و گسترش تعرض مردم" مندرج در شماره قبلی انترناسیونال) توضیح داده ام انتخاب روحانی نشانه ضعف و درماندگی نه تنها خط اصولگرا و خامنه ای بلکه کل حکومت بود. جناح اصولگرا و نهایتا خط رسمی حکومت که بوسیله خامنه ای نمایندگی میشود بازنده انتخابات بود اما جناح برنده هم راه حلی برای بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی حکومت ندارد. نزدیک یکسال بعد از ریاست جمهوری روحانی حکومت همچنان از نظر اقتصادی ورشکسته و از لحاظ سیاسی بی افق و درمانده است، اختلافات جناحها شدت گرفته است، طرح یارانه ها به یک معضل لاینحل حکومت تبدیل شده است، گرانی و تورم و بیکاری همچنان بیداد میکند، اعدام و سرکوب در سطح گسترده ای ادامه دارد و باندهای مافیائی حاکم همچنان مشغول افشای دزدیهای هزاران میلیاردی باند رقیب و پر کردن جیبهای گشاد خودشان هستند. ظاهرا قرار است مذاکره و توافق با غرب همه مشکلات را حل کند! اما نه مردم هیچ زمان چنین توهمی داشتند و نه حتی خود مقامات حکومت. امروز خود حکومتی ها از این صحبت میکنند که توافقات احتمالی با غرب حتی

ایجاد زمینه ها و فضا و شرایط شکل دهنده به این اعتراضات، و همچنین سیر حرکت و فرجام آنها نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. موضوع و مضمون اعتراضات، شیوه های اعتراضی و شعارها و خواستهائی که طرح میکنند در خلا شکل نمیگیرند بلکه متأثر از فعالیتها و تبلیغات نیروها و جنبشها و احزاب سیاسی فعال در جامعه است. از سوی دیگر زمانی که حرکتی شکل گرفت، جنبشها و احزاب اپوزیسیون و حتی گرایشات دورنگرتر حکومت هر یک بر اساس اهداف و استراتژی سیاسی خود سعی میکنند بر آن تاثیر بگذارند و رهبری آن را بدست بگیرند. نیروهای محافظه کار و راست سعی میکنند مبارزات اجتماعی را در چهارچوب قانونی و مطالباتی که به موجودیت جمهوری اسلامی لطمه ای نزنند (خط ملی اسلایون) محدود کنند - یا بعبارت دقیقتر به عقب بکشند - و یا به سمت دخیل بستن به دموکراسی و حقوق بشر و تغییرات دولت از بالا سوق بدهند (خط سلطنت طلبان). در مقابل این نیروها جنبش کمونیسم کارگری و حزبی مانند حزب ما تلاش میکنند اولاً مبارزات اجتماعی حول مسائل واقعی و پایه ای توده مردم شکل بگیرد. و ثانیاً اعتراضات اجتماعی جاری را هر چه بیشتر رادیکال و شفاف و عمیق کند و به طرف نقد ریشه های طبقاتی و کاپیتالیستی مسائلی که مبارزه حول آنها شکل گرفته) و سرگونی کل حکومت جمهوری

اسلامی سوق بدهد. به نظر من اینکه امروز شاهد شکل گیری اعتراض علیه مسائلی نظیر اعدام و حجاب هستیم نشاندهنده توده گیر شدن اهداف و خواستهائی است که مدتهاست در دستور مبارزه حزب ما قرار داشته است. نه جنبش ملی - اسلامی نه جنبش سلطنت طلب و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی با این نوع خواستهها تداعی نمیشود (شاخص این جنبشها تمامیت ارضی و کورش و امید بستن به تغییرات از بالا، و یا اسلام معتدل و خط استحاله و دفاع از تدبیر و امید بستن به کابینه روحانی و امثالهم است و نه اعتراض به اعدام و حجاب و یا مبارزه علیه فقر و فلاکت و مبارزه برای افزایش دستمزدها). پرچمدار و مبارز پیگیر در این عرصه ها به شهادت تمام برنامه و اهداف و تمام کارنامه عملی حزب ما، کمونیسم کارگری است. و یکی از عواملی که جامعه را به این سمت سوق داده است سالها فعالیت و مبارزه پیگیر کمونیسم کارگری بوده است.

اما این واقعیت به معنی این نیست که این حرکات اعتراضی در برابر تلاشهای نیروها و جنبشهای راست خودبخود مصنوعیت دارند و واکنسینه هستند. وظیفه تعمیق و رادیکالیزه کردن این جنبشها، تبیین و نمایندگی کردن آنها از یک موضع رادیکال و انسانی و غیر سازشکارانه، و نقد کلیه فعالیتها و تبلیغات و تلاشهای نیروهای راست برای به عقب

شیوه برخورد حزب به اعتراضات اجتماعی

کشیدن و تحریف کردن جنبشهای اعتراضی همچنان دست حزب ما را میبوسد و یک وظیفه همیشگی و حیاتی حزب در برخورد به اعتراضات اجتماعی است.

انترناسیونال: معمولاً اعتراضات اجتماعی تماماً منطبق بر مواضع و نقد حزب ما نیست. مثلاً اخیراً در مبارزه علیه اعدام حرکتی به اسم مادران بخشش شکل گرفته که مادران مقتولین (اولیای دم) متهم به اعدام را می بخشد در حالی که حزب با نفس اعدام مخالف است و بطریق اولی مقوله اولیای دم و شرکت دادن آنها در اجرای اعدام و غیره را اصولاً قبول ندارد. یا مورد دیگر جنبشی تحت عنوان لگام یا لغو گام بگام اعدام است در حالی که ما خواهان لغو فوری اعدام هستیم.

نمونه دیگر حرکتی است که اخیراً تحت عنوان آزادیهای یواشکی علیه حجاب و با استفاده از صفحه فیسبوکی یک فعال شناخته شده جنبش اصلاح طلبی شکل گرفته که از خواست آزادی پوشش فراتر نمیروید در حالی که حزب ما در مبارزه علیه حجاب آنرا بدرست بعنوان نماد ستمکشی زن و برخورد به زن بعنوان کالای جنسی و غیره مطرح میکند و یا آنرا بعنوان پرچم و مظهر جنبش اسلام سیاسی به نقد میکشد. سؤال اینست که این نوع تفاوتها بین حرکتیهای اعتراضی و مواضع حزب بر موضوعگیری ما در قبال این چه تاثیری دارد؟ آیا نقد جنبشهای دیگر که در سؤال قبلی تاکید کردید نقد این خصوصیات را هم شامل میشود؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم حزب ما در ایجاد شرایط و زمینه و فضای

خواستها را در جامعه بلند کرد و فعالانه برای لغو اعدام و حجاب جنگید. فراخوان اخیر حزب ما در نفی عملی حجاب و یا کمپین نجات ریحانه که مینا احدی نقش تعیین کننده ای در سازماندهی و رهبری آن دارد، دو نمونه متاخر پیشرویهایی حزب در این دو عرصه است.

امروز خوشبختانه این خواستها توده گیر شده و اعتراضات اجتماعی حول آنها شکل گرفته است. و نیروهای سیاسی مختلف نیز بدرجات مختلف به این حرکتیهای اعتراضی پیوسته اند و یا لاقلاً از مخالفت و یا تخطئه این اعتراضات دست کشیده اند. نفس این واقعیت یک پیشروی و پیروزی حزب ما است اما همانطور که بالاتر تاکید کردم این پیشروی وظایف تازه ای را در دستور ما میگذارد. وظیفه مقابله با گرایشهای راست در این جنبشها و تعمیق و رادیکالیزه کردن آنها، وظیفه تبیین و نمایندگی کردن آنها از یک موضع رادیکال و انسانی و پیگیر و سازش ناپذیر.

اولین شرط انجام موفقیت آمیز این وظیفه اینست که حساب مردم و ذهنیت و زبان و نحوه بیان اعتراضشان را از جنبشها و سازمانهای راست جدا کنیم. واضح است که مثلاً استفاده مادران داغیده از حق اولیای دم برای بخشش متهمین، به معنی تایید حکم قصاص و سپردن حق اعدام یا بخشش به خانواده ها نیست. این نشاندهنده امکانگرایی جنبش مادران بخشش است و نه سازشکاری آن با اعدام و یا قصاص. حتی خواست لغو گام بگام اعدام نیز بیشتر از همین امکانگرایی نشأت میگیرد و نه از اعتقاد به اینکه خویست اعدام بطور تدریجی لغو بشود! عده ای

از مخالفین اعدام با این تصور که لغو فوری اعدام ممکن نیست خواست لغو گام بگام اعدام را مطرح میکنند. در جنبش علیه حجاب نیز نام آزادیهای یواشکی به معنی اعتراض مخفیانه و زیر زمینی نیست. زنان کاملاً علنی و صریح حجابها را بر میدارند و

عکس بی حجابشان را در اینترنت منتشر میکنند. در اینجا صفت یواشکی بیشتر به معنی غیر قانونی است تا مخفیانه.

اما حمایت ما از خواست و امر اجتماعی این جنبشها به معنی چشم پوشی از نقاط ضعف آنها نیست. ما در برخورد به این جنبشها همین نکاتی که اشاره کردم را برجسته میکنیم و مورد تاکید قرار میدهیم. توهم لغو تدریجی اعدام را نقد میکنیم و بر ضرورت مبارزه برای لغو فوری اعدام تاکید میکنیم. یا در جنبش بخشش عقب ماندگی قانون قصاص و حق اولیای دم و شریک کردن خانواده مقتولین در جنایت دولتی اعدام را مورد نقد قرار میدهیم. در جنبش علیه حجاب نیز این واقعیت را برجسته میکنیم که حجاب صرفاً امری مربوط به پوشش و لباس زنان نیست بلکه نماد فرودستی و تحقیر زن است و باید بعنوان مظهر تحقیر و بی حقوقی زن مورد اعتراض قرار بگیرد. و این اعتراض هم نه امری یواشکی و مخفیانه بلکه اعتراضی علنی و صریح و اجتماعی است.

در یک سطح سیاسی و عمومی حزب باید تلاش کند که این نقاط ضعف - بخشش اولیای دم، لغو گام بگام اعدام، و عنوان آزادیهای یواشکی برای از سر برداشتن عملی حجابها و نظایر آن - به پاشنه آشیل این حرکتها و منفذی برای نفوذ ایده های راست و سازشکارانه در این حرکتها تبدیل نشود. اما هیچیک از این مسائل در دفاع از ما از مضمون برحق و انسانی این جنبشها خللی وارد نمیکند. نقطه قوت این اعتراضات همانطور که گفتم مضمون بر حق و انسانی این حرکتها است و ما وظیفه داریم و میتوانیم با اتکا بر این نقطه قوت بر ضعفها و کبدهای آن غلبه کنیم.

تا آنجا که به فعال شدن چهره هایی از جنبشهای راست و یا ملی - اسلامی در این عرصه ها مربوط میشود، معیار ما سیاستها و فعالیتها و مواضع این افراد در خود این جنبشهای مشخص است و نه تعلق حزبی و

یا جنبشی آنها. علاوه بر نقد عمومی و همه جانبه این جنبشها که امر همیشگی ماست، ما وظیفه داریم مواضع فعالین راست را بطور مشخص و بر اساس عملکردشان در خود این جنبشها نقد و افشا کنیم. نقد عمومی جنبشی که فعالین یک عرصه مبارزه اجتماعی به آن متعلق هستند برای ارزیابی و نقد عملکرد مشخص آنها در آن حرکت نه کافی و نه موثر و مجاب کننده است. چنین شیوه ای یک موضعگیری ایدئولوژیک و غیر سیاسی خواهد بود که به نتیجه عکس خود منجر میشود.

مردم درگیر در جنبشهای اعتراضی و کل جامعه علت و دلیل نقد و مخالفت ما را نخواهند فهمید و از ما دور خواهند شد. ما همیشه از نیروهای اپوزیسیون خواسته ایم که از کمپینهای ما علیه اعدام و یا سنگسار و یا در دفاع از حقوق کودکان و حقوق پناهندگان و غیره دفاع کنند و بدرست از فعالین جنبشهای دیگر که به این حرکتها پیوسته اند استقبال کرده ایم و کسانی را که مثلاً بخاطر کمونیست بودن مینا احدی از کمپین نجات ریحانه دفاع نمیکند را مورد نقد قرار داده ایم. معیار در برخورد ما به جنبشهای اعتراضی دیگر نیز باید همین باشد. یعنی بر مبنای مضمون و خواست این جنبشها و نه عقاید افراد درگیر در آن باید به اعتراضات اجتماعی برخورد کرد و موضع گرفت.

انترناسیونال: در مورد جایگاه و نقش اعتراضات اجتماعی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی چه نظری دارید؟ این مبارزات مشخصاً در سیاستی که در آخرین پلنوم حزب تحت عنوان حضور حزب در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی مطرح شد چه جایگاهی دارند؟

حمید تقوایی: یک مولفه مهم بحث حزب در عرصه قدرت سیاسی همین اعتراضات

حجاب پرچم اسلام سیاسی است

مصاحبه با شهلا دانشفر



انترناسیونال: چندی قبل حزب کمونیست کارگری فراخوان لغو حجاب اجباری را داد. در این فراخوان لغو حجاب به تاریخ جمهوری اسلامی ربط داده شده است، می‌توانید در این مورد توضیح بیشتری بدهید؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که در ایران حجاب فرهنگ جامعه نیست. رژیم اسلامی از همان آغاز با تعرض به زنان و کل جامعه حجاب را اجباری اعلام داشت. دقیقاً از همان آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، شیپور جنگ بر سر حجاب به صدا در آمد. به یاد دارم که روز ۱۷ اسفند ۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹)، دو هفته پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی و بدنبال فرمان حجاب اجباری توسط خمینی بود که خیابانهای مرکزی تهران و بسیاری از شهرهای دیگر به صحنه اعتراض و راهپیمایی با شکوه هزاران زن و مرد معترض تبدیل شد و بدین ترتیب اولین صف بندی‌ها در مقابل رژیم اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی و پرچم آن حجاب اجباری، به نمایش گذاشته شد.

ادامه هشت مارس ۵۷ و جنگ بر سر حجاب، در طول حیات این رژیم و در تمامی ابعاد اجتماعی اش، در خیابان، اتوبوس، پارکها، دانشگاهها، مدارس، ورزشگاهها و در کل جامعه و در همه جا ادامه یافت. در این جنگ زنان با ابتکارات مختلف با حجاب اجباری و قوانین ارتجاعی اسلامی مقابله کردند. رنگهای سیاه و خاکستری اسلامی را به رنگ های شاد تبدیل کردند. مانتوهای بلند اسلامی را به زیباترین مدل‌های لباس تبدیل نمودند و هر روز حجابها عقب تر رفت و شلوار جین و ساپورت به مدل رایج

میان دختران جوان تبدیل شد. در خیابانها زنان با چهره های زیبا و آرایش کرده، با روژ لب های رنگی و به قول خودشان "جیغ" همه طرحهای عفاف و حجاب رژیم اسلامی را به سخره گرفتند. هر روز رژیم اسلامی با طرح جدیدی از حجاب و عفاف به میدان آمد و در این کشاکش بازنده به کناری رفت. تا جاییکه دیگر ورق برگشت و اکنون اخبار حاکی از کتک خوردن مامورین امر به معروف حکومت اسلامی توسط دختران معترض جوان و حمایت مردم در هر جایی است که چنین کشاکشی صورت میگیرد. تا جاییکه دیدیم احمدی مقدم فرمانده نیروی نظامی حکومت اعلام کرد که در حمایت از این مامورین نیروی انتظامی اش را به خدمت خواهد گرفت و به گفته خودشان ۲۶ نهاد و نیروی سرکوبگر را برای تحمیل حجاب اجباری به زنان به میدان آوردند و هر سال نیز کارنامه شکستشان را از زبان خودشان اعلام داشتند.

یک نمونه مهم از جدال علیه حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی، جنگ بر سر این موضوع در دانشگاهها است. طرحهای بسیاری برای اسلامی کردن دانشگاهها داده شد. هر سال شروع سال تحصیل دستورالعمل های حجاب و عفافشان را به دانشگاهها ابلاغ کردند. اما دانشجویان دختر و پسر علیه آن به اعتراض بلند شدند و در مقابل طرح اسلامی کردن دانشگاهها و تفکیک جنسیتی و حجاب اجباری ایستادند. وضع مدارس نیز از همین قرار است تا جاییکه در آغاز تحصیلی سالی جاری اعلام کردند که برای کنترل حجاب در مداری، دوربین های مدار بسته را به کار میگذارند و خانواده ها و معلمان را مسبب "دین گریزی"

جوانان دانستند.

بدین ترتیب جنگ علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی حکومت اسلامی، جنگ هر روزه دختران و پسران جوان با حکومت اسلامی بوده است. در این جنگ دختران و پسران جوان روزهای عزای اسلامی را به مهدی پارتی خود تبدیل کردند و دیوار آپارتاید جنسی را شکاندد. در چهارشنبه سوری ها حجاب برداشتند و دست در دست همه در وسط خیابان ها رقص و پایکوبی کردند. گروههای موزیک زیر زمینی تشکیل دادند و مدرنترین ترانه ها را ساختند و با گذاشتن آن روی یوتیوب به اعتراض خود بعدی اجتماعی دادند. امروز نیز این جنبش عظیم اجتماعی را در مدیای اجتماعی می بینیم که دارد به خود شکل میدهد. در همین راستا صفحات فیس بوکی بسیاری شکل گرفته است. صفحاتی که به راستی نموداری از حجاب برگزیران عملی زنان در جامعه است. یک نمونه بروز چنین جنبشی را در صفحه فیس بوکی ای که اخیراً به اسم "آزادی های یواشکی زنان" شکل گرفته است می بینید که هزاران نفر آنرا لایک زده و با چهره واقعی و عکس بدون حجاب خود علیه حجاب و قوانین ارتجاعی اش حرف میزنند و کیفرخواست خود را اعلام میکنند.

رژیم اسلامی برای تحمیل حجاب اجباری و برافراشته نگاهداشتن این پرچم از تمام ابزارهایش استفاده کرد. از جمله اوپاش حزب الله و مامورین امر به معروفشان را به جان زنان انداختند و آنها را تحت عنوان "بد حجاب" مورد اذیت و آزار هر روزه قرار داد، بنا بر آمارهای دولتی هر سال هزاران زن را تحت عنوان بدحجاب دستگیر و زندانی کرد، انواع و اقسام

مقررات و مصادیق "بدحجابی" را اعلام داشت و "مجرمین" را به پرداخت جریمه و شلاق و زندان محکوم کرد، در کنار قوانین ارتجاعی اسلامی، کل دستگاه قضایی و زندان و نیروهای سرکوب را به خدمت گرفت، زنان "بدحجاب" را به اخراج از کار و محرومیت از تحصیل و انواع و اقسام محرومیت های اجتماعی دیگر محکوم نمود، اما نگاهی به فضای خیابانها و کل جامعه نشانگر شکست حکومت اسلامی در این عرصه مهم نبرد بر سر حجاب است.

بدنبال اینهمه توحش و قشون کشی و جاری کردن قانون حجاب اجباری است که امروز می بینیم عملاً چیزی از حجاب جز چند سانت پارچه بر سر زنان باقی نمانده است و ما وارد فاز جدیدی از مبارزه بر سر حجاب و نفی عملی آن شده ایم.

انترناسیونال: آیا مسئله حجاب به اندازه ای اهمیت دارد که حزب در مورد آن فراخوان بدهد؟

شهلا دانشفر: رژیم اسلامی حمله اش به جامعه را با حمله به زنان و با شعار یا روسری یا توسی آغاز کرد. اوپاش حزب الله را روانه خیابانها کرد و با تعرض به زنان، با اسید پاشیدن به روی زنان و با پونز زدن روسری به سر زنان، و با خشونت بارتترین شکل این حمله را آغاز کرد. اما زنان و مردم از همان روز اول در برابر این حمله ایستادند و این جنگ ادامه یافت و سالهاست که فریاد حکومت اسلامی از اینکه حجاب رفت و نظام رفت، بالاست.

بنابراین حجاب پوشش نیست. حجاب فرهنگ جامعه نیست. حجاب سمبل وحشیگری و پرچم رژیم اسلامی و در واقع

پرچم اسلام سیاسی است. جمهوری اسلامی همواره کوشیده است اقتدارش را با برافراشتن این پرچم به نمایش بگذارد. اما امروز می بینیم که این اقتدار و این پرچم در جریان جنبشی اجتماعی که ابعادی جهانی پیدا کرده است، چگونه به اهتزاز در آمده است.

پیشروی های این جنبش، به موضوع داغ کشاکش در درون خود حکومت تبدیل شده است. نمونه اش رفت و آمد بحثی بر سر حجاب میان خامنه ای، روحانی و رفسنجانی است. مباحثی که در آن به روشنی درماندگی و شکستشان را دیدیم.

در جریان پیشروی در این عرصه از نبرد حتی جریانهای چون اصلاحگرایان درون حکومتی و کسانی چون امثال شیرین عبادی و شادی صدر و غیره که حرفشان این بود که يك تکه روسری ما را نکشته است، حجاب مساله چندان مهمی نیست، اسلام با حقوق زن تناقضی ندارد و ... امروز سعی دارند که خودشان را از حجاب اجباری جدا کنند تا بلکه کسب حیثیتی کنند. حتی یکی مثل جناب روحانی که رئیس حکومت اسلامی است، مجبور میشود بگوید "عفاف مهم تر از حجاب" است تا خود و نظامش را از زیر فشار جنبش علیه حجاب و جنبش رهایی زن بیرون کشد.

بعلاوه به تجربه دیده ایم که رژیم اسلامی همواره برای عقب راندن مبارزات مردم و امنیتی کردن فضای جامعه اوپاش حزب الله خود را به خیابانها ریخته است و تحت عنوان مبارزه با "بدحجابی" زنان را مورد تعرض قرار داده است. پیامش نیز با این کار این بوده که من هستم و قوانین اسلامی ام را جاری

حجاب پرچم اسلامی است

میکنم. همانطور که اعدام میکند تا قدرت سرکوبش را به جامعه نشان دهد. از همین رو وضعیت حجاب در جامعه بطور واقعی نموداری از توازن قوای سیاسی حاکم بر جامعه است.

بنابراین ایستادن در مقابل آپارتاید جنسی رژیم اسلامی و حجاب اجباری و جنگ هر روزه با تعرضات این رژیم یک جنبش کاملاً سیاسی است و یک عرصه مهم به چالش کشیدن رژیم اسلامی است و امروز خواست لغو حجاب اجباری در کنار خواسته‌های دیگر چون لغو اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه فقر و گرانی و غیره یک خواست عمومی جامعه و یک جزء اصلی سیاست ایران است. پیشروی‌های ما نیز در این عرصه از مبارزه فاکتوری مهم در تغییر توازن قوا و تحولات سیاسی جامعه است.

خلاصه کلام اینکه حجاب سمبل حکومت اسلامی و پرچم رژیم آپارتاید جنسی در ایران است. برای همین است که با کنار رفتن آن فریادشان بلند است و میگویند حجاب رفت، نظام رفت. به این اعتبار پیشروی‌های جنبش علیه حجاب، پیشروی‌های کل جامعه است و مستقیماً در زندگی و فضای سیاسی جامعه تاثیر میگذارد. ما در این عرصه از مبارزه پیشروی‌های مهمی داشته ایم. باید این پیشروی‌هایمان را تثبیت کنیم. و نفی عملاً حجاب یک ضربه کاری بر رژیم اسلامی است.

به همین دلیل فراخوان برای لغو حجاب اجباری یک فراخوان مهم و از نظر سیاسی با اهمیت است.

انترناسیونال: آیا میتوان حجاب را بعنوان لباس و پوشش عادی در نظر گرفت؟

شهلا دانشفر: در سئوال‌ها قبل به نوعی به این موضوع اشاره

کردم و توضیح دادم که چرا حجاب لباس و پوشش نیست. چرا حجاب یک سمبل و یک پرچم است. حقیقت این گفته را در سی و چند سال حاکمیت رژیم اسلامی به روشنی و با گوشت و پوستمان تجربه کرده ایم. اتفاقاً یک تلاش اصلاح‌گرایان حکومتی در مقابل جنبش علیه حجاب اجباری، همیشه این بوده است که با قلمداد کردن حجاب به عنوان یک پوشش و لباس عادی سعی کرده اند، بر روی جایگاه واقعی حجاب در حکومت آپارتاید جنسی، سایه بیندازند و کل این نظام را از زیر تعرض جنبش‌های زن بیرون کشند. اینها همان کسانی بودند که در دوران حکومت خود بسیاری از قوانین ضد زن را به تصویب رساندند، هزاران زن را بخاطر عدم رعایت حجاب از کار اخراج نمودند و با عنوان کردن اینکه زنان خواسته‌های اساسی دیگری دارند و حجاب مساله چندانی نیست، سعی میکردند این جنبش را در چهارچوب نظام اسلامی و قانون اساسی اش مهار کنند. ولی ابعاد اجتماعی این جنبش هم رژیم اسلامی و هم تمامی طیف اصلاح‌گرایان درون حکومت را به عقب راند. بطوریکه برخی از همینها امروز مجبورند علیه اجباری بودن حجاب حرفی بزنند، تا برای خود و نظامشان مغزی پیدا کنند.

بنابراین همانطور که اشاره کردم حجاب پوشش نیست. سمبل جمهوری اسلامی است و مبارزه علیه آن، مبارزه‌ای کاملاً سیاسی و علیه پایه‌های هویتی این حکومت است. ما به کسانی که حتی معتقد به حجاب هستند، فراخوانمان اینست که برای زمین زدن پرچم رژیم اسلامی و رهایی از شر فقر و فلاکت و جهنمی که در جامعه حاکم کرده است، همراه جنبش علیه حجاب اجباری باشند و آنرا حمایت کنند.

انترناسیونال: مسئله حجاب در ایران به چه صورتی است؟ تا چه حد از طرف مردم و بویژه زنان پذیرفته شده است؟

شهلا دانشفر: اجباری بودن حجاب بر همه کس روشن است. جهان این را میداند. حجاب قانون رسمی حکومت اسلامی است. ضمن اینکه ما همیشه گفته ایم جامعه ایران جامعه‌ای اسلامی نیست. حجاب فرهنگ آن نیست. همانطور که اشاره کردم کل دستگاه سرکوب و قضایی و دادگاهها و زندان و همه برای تحمیل حجاب و برافراشته شدن آن بسیج شده است. اما جامعه آنرا نپذیرفته است و موضوع جنگ مردم با این حکومت است. بروشنی نیز می بینیم که بازنده این جنگ نیز رژیم اسلامی است. چون دیگر حجابی به جا نمانده است و مهمتر اینکه هم اکنون جنبشی برای نفی عملی حجاب در سطحی اجتماعی در جریان است. جنبشی که میبرد تا کل بساط آپارتاید جنسی رژیم اسلامی و قوانین اسلامی اش را جارو کند. حزب کمونیست کارگری ایران این موقعیت را دیده

و با اتکا به آن جایگاه سیاسی چنین نبردی، جامعه را به نفی عملی حجاب و لغو آن فراخوان میدهد.

انترناسیونال: در سالهای اخیر شاهد نمونه‌های زیادی از برداشتن حجاب در ایران بوده ایم. از جمله در جنبش سال ۸۸، در مواردی شاهد بوده ایم که مردم به مقابله با نیروهای انتظامی و یا لباس شخصی‌های رژیم در حمایت زنان به اصطلاح "بد حجاب" برخاسته اند، آیا این حرکات از ظرفیتی برخوردار هست که بتوانند، در مقابل سرکوب‌های رژیم موفق شود؟

شهلا دانشفر: بله این ظرفیت وجود دارد و واقعیت جامعه دارد صحبت این ادعا را نشان میدهد. حتی ما از سال ۸۸ تا کنون در این عرصه از مبارزه گامهای بسیار بیشتری به جلو برداشته ایم و خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ کل فضای سیاسی جامعه را متحول کرد و ما را در این عرصه از مبارزه گامهای بسیاری به جلو برد. نگاهی به چهره خیابانها و فضای جامعه و پیشروی‌های



جنبش‌های زن در کنار زدن حجاب اجباری، پاسخ سئوال شما را به روشنی میدهد. بطوریکه ما امروز داریم در مورد یک شرایط جدید و امکان نفی عملی حجاب صحبت میکنیم. در این جهت نیز جنبشی را می بینیم که ابعادی اجتماعی یافته و دامنه اش به مدياي اجتماعی کشیده شده است و یک نمونه اش هزاران زن معترضی هستند که حجاب برداشته و عکس هایشان را به طور علنی در صفحه فیس بوکی ای چون "آزادی‌های یواشکی زنان" گذاشته اند. صفحه ای که اسمش یواشکی است اما جنبشی علنی و اجتماعی به آن هجوم آورده و آنرا به صفحه حجاب برگیران و به صفحه لغو عملی حجاب تبدیل کرده است. این جنبشی اجتماعی است که در سطحی اجتماعی تا همین الان توانسته است نیروهای سرکوب رژیم را زمینگیر و ناتوان کند. کارنامه‌های شکستشان را هم خودشان اعلام کرده اند.

بعلاوه همانطور که در فراخوان حزب نیز توضیح داده ایم

از صفحه ۶

حجاب پرچم اسلام سیاسی است

این شرایط جدید تنها محصول مبارزه علیه حجاب در داخل ایران نیست. بلکه انقلابات سالهای اخیر در جهان، تضعیف موقعیت بین المللی و منطقه ای اسلامی سیاسی و در نتیجه تضعیف رژیم اسلامی جلو آمدن جنبش نوین رهایی زن و شکل صریح تر و آشکارتر اعتراض علیه بردگی جنسی زن بصورت اعتراض عریان، همه و همه از جمله عواملی است که امروز ما را در موقعیتی قرار داده است که میتوان حجاب را عملاً نفی کرد. میتوان لغو حجاب را در عمل تحمیل کرد. ظرفیت های عملی این جنبش تا لغو عملی حجاب را در عمل داریم می بینیم. وظیفه ماست که بکوشیم که این گفتمان ها را به گفتمانی اجتماعی در سطح جامعه و در سطح جهان تبدیل کنیم.

انترناسیونال: همانطور که گفتید در هفته های اخیر کمپینی برای برداشتن حجاب بنام "آزادی های یواشکی" آغاز شده که توجه زیادی را بخود جلب کرده است، اما بنظر می رسد که برداشتن حجاب در ایران دیگر یواشکی نیست، بلکه خیلی هم علنی آشکار است. شما این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید؟

شهلا دانشفر: طبعا این حرکت فی البداهه ای نیست و مدتهاست که جنبش اجتماعی ای که ما از آن به عنوان جنبش رهایی زن و علیه حجاب اجباری این سمبل آپارتاید جنسی در ایران صحبت میکنیم، خود را به سطح مدیای اجتماعی کشانده است. یک نمونه اش برگزاری هشت مارس امسال در ایران و عکس های زنان بدون حجابی است که در این مراسم شرکت داشتند و عکس هایش در سایت ها و صفحات فیس بوکی انتشار یافت. قبلا نیز تحرکاتی از همین دست چون نه به حجاب اجباری و

اجتماعی این جنبش آنچنان گسترده است، که جایی برای گفتمان اصلاحگرایی در این صفحه باقی نگذاشته است و نخواهد گذاشت. دلیلش نیز به روشنی اینست که حجاب هویت رژیم اسلامی است و مبارزه برای نفی عملی آن کل رژیم را به چالش میکشد. چنانکه می بینید این صفحه اکنون زیر فشار همان هزاران نفری که آنرا لایک زده اند و بر رویش کامنت گذاشته اند، به صفحه ای برای به چالش کشیدن ارتجاع اسلامی در یک عرصه مهم اجتماعی تبدیل شده است.

بنابراین در چنین حرکتی برای کسانی که تحت عنوان "جنبش سبز" تلاش داشتند اعتراض جوانان و مردم ایران را زانده جناحهای درون خود حکومت و کسانی چون موسوی و کروبی بکنند، جایی نخواهد بود و خیلی زود پس زده خواهند شد. چون با پلانفرم بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی و دوران خمینی که پلانفرم کسی چون میرحسین موسوی است، و یا خزعبلاتی از نوع اینکه اسلام با حقوق زن تناقض ندارد و فرمایشات کسانی چون شیرین عبادی ها که در اذهان مردم ثبت است، این جنبش هیچ تقارن و سنجی ندارد. اشتباه بزرگ اینست که پیدا شدن سروکله کسانی از نوع اصلاح طلبان در حاشی این حرکت ما را از دیدن جنبش عظیمی که در جامعه و از جمله در صفحه مورد اشاره شما دارد شکل میگیرد، غافل کند و نیروی خود و جنبشی که سازنده اش بطور واقعی ما آزادیخواهان و جنبش نوین رهایی زن هستیم، نبینیم.

انترناسیونال: جنبش لغو حجاب در ایران چگونه میتواند پیش برود؟ و شما چه فراخوانی برای مردم در ایران دارید؟ از مبارزه برای لغو حجاب چگونه می توان حمایت کرد؟

شهلا دانشفر: با توجه به همه آنچه که در بالاتر اشاره کردم یک وظیفه مهم ما امروز اینست که بکوشیم تا گفتمان مبارزه علیه

از صفحه ۴

شیوه برخورد حزب به اعتراضات اجتماعی

در رادیکالیزه شدن و سوق یافتن این مبارزات به سمت سرنگونی و هم در امر کسب نفوذ توده ای حزب نقش تعیین کننده ای دارد. یک مولفه دیگر عرض اندام حزب در عرصه قدرت سیاسی عملکرد مستقیم حزب در بجالش کشیدن جمهوری اسلامی است و دخالتگری در اعتراضات اجتماعی یکی از شیوه های تحقق این امر است. این را هم در خاتمه تاکید کنم که حزب ما منتظر شکل گیری این مبارزات ننشسته است. علاوه بر نقش سیاسی و عمومی حزب در حرکت های اعتراضی جاری نظیر مبارزه علیه اعدام و حجاب که بالاتر توضیح داده شد، ما تلاش میکنیم که به اعتراضات وسیع اجتماعی در عرصه های تازه ای که بالقوه میتوانند به یک حرکت وسیع علیه جمهوری اسلامی تبدیل بشوند شکل بدهیم. مبارزه علیه سیستم قضائی جمهوری اسلامی یکی از این عرصه هاست که در شرایط حاضر حزب در دستور کار خود قرار داده است.*

اجتماعی، در دانشگاه، مدرسه، خیابان، اماکن عمومی و انعکاس آن در مدیای اجتماعی و رسمی است. فراخوان ما به حمایت همه جانبه مردم و خصوصا جوانان از جنبش حجاب برگیران و ایستادن در مقابل سرکوبگران رژیم اسلامی است. به صورتیکه هر جا این زنان مورد تعرضی قرار میگیرد با اجتماع و اعتراض مردم رویرو شود. همچنین انتظار می رود دهها صفحه فیس بوکی از نوع صفحاتی که بخش را کردیم و در سطحی گسترده شکل گیرد و با پرچم نه به حجاب اجباری، نه به آپارتاید جنسی، جنبشی قدرتمند را شکل دهیم.*

اجتماعی است. این مبارزات از یکسو جمهوری اسلامی را در عرصه های مختلف تحت فشار قرار میدهند و عملاً کل حکومت را بجالش میکشند و از سوی دیگر زمینه های اجتماعی هر چه بیشتر مطرح شدن نقد و سیاستها و اهداف حزب را فراهم میکنند. مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نهایتاً انقلاب علیه کل نظام موجود در خلا و ابتدا بساکن شکل نمیگیرد. اعتراضات اجتماعی از یکسو خواستها و مطالبات روشن و رادیکالی را مطرح میکنند که گرچه مستقیماً سرنگونی حکومت را هدف قرار نداده اند اما تحقق آنها عملاً به معنی سرنگونی حکومت است. لغو اعدام و حتی لغو حجاب عملاً بدون سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست. از سوی دیگر مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی برای به فرجام رسیدن مستلزم حضور یک حزب رادیکال و کمونیستی در راس مبارزات مردم است. حضور و دخالتگری فعال حزب در عرصه ها مختلف مبارزه اجتماعی هم

حجاب اجباری را به گفتمان مسلط سیاست ایران تبدیل کنیم و آنچنان فضایی از اعتراض و مبارزه در داخل ایران و در سطح جهان در حمایت از این مبارزه بوجود بیاوریم تا آخرین تلاش ها و مقاومت های جمهوری اسلامی برای حفظ حجاب را در هم شکنیم.

در همین راستا فراخوان من، همان فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران به لغو عملی حجاب اجباری است. فراخوان من به حمایت گسترده از جنبش برای رفع عملی حجاب اجباری در ایران و در جهان است. فراخوان من به تحرك گسترده در این عرصه نبرد و به کارگیری ابتکارات مختلف بر علیه حجاب اجباری در همه عرصه های

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

"انرژی هسته ای حق معلق ماست!"

دانشگاهها بود، امروز این شعار و خط ضد آمریکائیگیری مستقیماً به پول و قدرت باندهای حاکم ترجمه میشود. ضد آمریکائی گری زمینه و چهارچوب اقتصاد مافیائی ببر و بچاپ و توجیه موجودیت و موقعیت سیاسی حکومت اسلامی در جامعه و در منطقه است. رژیم تحت فشار ورشکستگی اقتصادی و انزوای سیاسی و درماندگی اش در مواجهه با یک جامعه در آستانه انفجار ناگزیر به تعامل با غرب است و در عین حال با هر درجه از نزدیکی با غرب هویت و موجودیت خود را بیشتر بزیر سؤال میبرد. این تناقض پایه ای و لاینحلی است که نه تنها انرژی هسته ای بلکه کل موجودیت حکومت را معلق کرده است!*

این شعار عده ای از "دلواپسان دستاوردهای هسته ای" در یک جلسه سخنرانی هاشمی است. "مرگ بر آمریکا" و "وای بر مسئولینی که به فکر آشتی با شیطان بزرگ هستند" از جمله دیگر شعارهای این گروه بود.

هاشمی در پاسخ به این عده اطمینان میدهد که تمام حقوق کشور محقق خواهد شد و کسی نگران نباشد. اما آنچه معلق مانده حقوق کشور و یا مردم نیست، بقا و موجودیت جمهوری اسلامی است. دلواپسان هسته ای در واقع نگران بقای نظامشان و دلواپس قدرت و ثروت خودشان هستند. اگر در اوایل روی کار آمدن رژیم کاربرد "مرگ بر شیطان بزرگ" تحریف انقلاب، مقابله با خواستههای آزادیخواهانه مردم و حمله به کارگران و زنان و کردستان و

سود آوری فاجعه می آفریند!

فاجعه انفجار معدن سوما در ترکیه که تا کنون به کشته شدن بیش از دویست و سی تن از کارگران منجر شده است موجی از انتقادات به دولت ترکیه را بدنبال داشته است. در پارلمان ترکیه از دولت اردوغان بخاطر بی مبالائی و رد کردن طرح بازرسی معادن انتقاد میشود. عده ای از مقامات خصوصی سازی معادن را دلیل این حادثه میدانند و برخی نیز از عدم رعایت استانداردهای توصیه شده از جانب اتحادیه اروپا انتقاد میکنند.

اما این نوع انتقادات به مساله واقعی حتی نزدیک هم نمیشود. فاجعه هائی نظیر انفجار معدن در ترکیه یک فاجعه رایج و معمول در نه تنها این کشور بلکه در کلیه نظامهای سرمایه داری است. چهار سال

حمله به سطح معیشت و رفاه و ایمنی کارگران به یک نرم و استاندارد همه دولتها تبدیل شده است، حفظ سود و افزایش سودآوری سرمایه چنین فجایعی را "ایجاب" میکند.

نقد واقعی و ریشه ای به کل نظام سرمایه داری وارد است و پرچم این نقد در دست جنبش کارگری است. اعلام یک روز اعتصاب عمومی در اعتراض به این حادثه و راهپیمائی ها و

پیش، انفجار در معدن دیگری در ترکیه سی قربانی برجای گذاشت و در سال ۱۹۹۲، حادثه مشابهی در همین شهر سوما به کشته شدن بیش از دویست و پنجاه معدنچی منجر شد. حادثه ریزش معدن بر سر کارگران در شیلی در سال ۲۰۱۰ یک نمونه دیگر از انوع حوادث است. در چین هم هر سال و تقریباً هر ماه با یک "حادثه" در معادن و کشته شدن تعدادی از کارگران مواجه هستیم.

اینجا فجایعی ناشی از سهل انگاری دولتها و یا عدم رعایت موازین ایمنی و غیره نیست بلکه فجایعی ناشی از سود آوری سرمایه است. بخصوص در دوره بحران اقتصادی و سیاست ریاضت کشی اقتصادی که پس گرفتن دستاوردهای جنبش کارگری در دهه های گذشته و

تجاوز شرعی به زنان و کودکان بیداد میکند!

«زنان صیغه ای در شهر مذهبی قم حضور چشمگیری دارند. حیاط بزرگ مسجد امام حسن عسگری، صحن و اطراف حرم معصومه، خیابان ارم، گذر خان و اطراف مدرسه گلپایگانی دیگر جاهایی هستند که می توان «زنان صیغهای» را پیدا کرد. این زنان در قالب دست فروش و «گدا» نیز حضور دارند.»

این بخشی از گزارشی است که اخیراً خبرگزاری آلمانی دوپچه وله در باره وضعیت زنان صیغه ای در ایران و مشخصاً در شهر قم منتشر کرده است. زنان صیغه ای در این عبارت تنها جایگزین دیگری برای زنان تن فروش است. ظاهر شدن نام شهر قم، امامها و قدیسیں و "اماکن متبرکه" در کنار زنان دستفروش و گدا و تن فروش تصادفی نیست. نشاندهنده تناقضی هم نیست. یک رکن اسلام با تمام امامان و مقدساتش، زن ستیزی و درک و تلقی از زن بعنوان کالا و برده جنسی است. همه مذاهب همین ویژگی را دارند.

سایت محبت نیوز، که متعلق به ایرانیان به مسیحیت گرویده است گزارش دوپچه وله را منتشر کرده و تیترو زده است که "شهری که قرار بود واتیکان ایران شود، شده شهرنو". اما این دو تناقضی با هم ندارند. واتیکان و کلیسای کاتولیک هم در تمام

تظاهرات اعتراضی که در شهرهای مختلف ترکیه پا گرفته

دوران تاریخ قرون وسطی و تا زمانی که دستش را از قدرت کوتاه نکرده بودند زن را بجز در همین موقعیت برده و کنیز جنسی مرد نمیدید و برسمیت نمیشناخت. زن ستیزی وجه مشترک اسلام و مسیحیت و تمام مذاهب است. تفاوت تنها اینست که جنبش روشنگری و رنسانس مسیحیت را در سوراخ کرده است اما بشریت هنوز با اسلام سیاسی تعیین تکلیف نکرده است.

صیغه یک شکل مشروعیت بخشیدن نه تنها به فحشا بلکه به پدوفیلیسم و رابطه جنسی با کودکان است. نه تنها صیغه بلکه ازدواج با دختر بچه ها نیز یک امر مرسوم در جمهوری اسلامی است. بنا به آمار منتشر شده در سال گذشته در ایران حداقل ۱۱۹۱ دختر زیر ۱۰ سال و ۹۳۸۹۱ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله به اجبار، ازدواج کرده اند. تعداد صیغه ها و دختر بچه هائی که از همین سنین ناگزیر به تن فروشی میشوند را به این آمار اضافه کنید تا عمق جنایتی که در جمهوری اسلامی هر روز در مساله تنها به قم و بازار صیغه در اطراف حرم معصومه محدود نمیشود، تجاوز جنسی به زنان و دختر بچه ها در کل ایران بیداد میکند.*

است میتواند سرآغاز این نقد طبقاتی و اجتماعی باشد.*



از بهنام ابراهیم‌زاده خبری در دست نیست وضعیت بهنام نگران کننده است



بهنام ابراهیم‌زاده، همه کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۳
۱۲ مه ۲۰۱۴

بی سابقه زندانیان سیاسی در این بند، همراه تعدادی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ به انفرادی های ۲۴۰ منتقل شد. سپس در یازده اردیبهشت به ۳۵۰ بازگردانده شد و بعد از دو روز مجدداً به سلول انفرادی ۲۰۹ منتقل شد. از آن روز به بعد خانواده بهنام با اینکه چندین بار به زندان اوین مراجعه کرده اند، اما نتوانسته اند هیچ خبری از بهنام دریافت کنند و به گفته همسر او با تمامی تلاش‌هایی که انجام داده تا الان راه به جایی نبرده و گویا بهنام مفقود شده است.

همه شواهد حاکی از وضعیت نگران کننده بهنام ابراهیم‌زاده است. اخبار مربوط به بهنام را در سطح جهانی انعکاس دهیم و تلاش کنیم که حمایت وسیع بین‌المللی را از او جلب کنیم. به هر شکلی که می‌توانیم به حمایت از او برخیزیم. خواستار ملاقات فوری خانواده بهنام با او و خبرگیری از وضعیت این کارگر زندانی شویم. با تمام قوا برای آزادی بهنام ابراهیم‌زاده، تلاش کنیم.

اطلاعیه شماره ۱۸۶

از بهنام ابراهیم‌زاده از رهبران شناخته شده کارگری که هم اکنون در بند ۲۰۹ اوین بسر میبرد، خبری در دست نیست و از زمان انتقال او به این بند خانواده وی از او بی‌اطلاع هستند. به گزارش کمیته دفاع از بهنام ابراهیم‌زاده، امروز دوشنبه بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۹۳ طبق روال هر دوشنبه که بهنام ملاقات حضوری داشت، همسر او به زندان اوین مراجعه کرد. اما باز هم خبری از بهنام نبود و همسر وی جهت پیگیری وضعیت او به قاضی خدابخشی رئیس دادگاه ۱۵ خرداد مراجعه کرد. اما باز هم بی نتیجه و بدون هیچ خبری به منزل بازگشت. قابل ذکر است که از چندین هفته پیش ملاقات‌های بهنام با خانواده‌اش از طرف مسئولان زندان اوین قطع شده بود.

لازم به یادآوری است که بهنام ابراهیم‌زاده به دنبال حمله ددمنشانه نیروهای ویژه امنیتی جمهوری اسلامی به بند ۳۵۰ زندان اوین در تاریخ بیست و هشتم فروردین ماه و ضرب و شتم

اتحادیه ث ژ ت بخش بسانکون دستگیری کارگران در ایران را محکوم میکند



نیست و این بیخبری باعث نگرانی خانواده این عزیزان شده است.

جعفر عظیم‌زاده، جمیل محمدی، بهنام ابراهیم‌زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۳

۱۳ مه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

جعفر عظیم‌زاده و جمیل محمدی و همه کارگران زندانی در ایران هستیم. از جمله:

بهنام ابراهیم‌زاده، رضا شهابی، یوسف آب خرابات، محمد مولانایی، واحد سیده، وفا قادری، غالب حسینی، خالد حسینی، محمد کریمی، جمال میناشیری، قاسم مصطفی پور، افشین ندیمی، هادی تنومند، که در استان کردستان دستگیر شدند

و محمد باقری، رسول بداغی، محمد داوری، مهدی فرهی شاندیز، عبدالرضا قنبری، علی باغانی، محمود بهشتی لنگرودی، و علیرضا هاشمی از کانون معلمان ایران باید آزاد شوند.

فدراسیون ث ژ ت از بسانکون همراه با کارگران ایران و همه کارگران جهان برای حق تشکل و حق تظاهرات و حق اعتصاب تلاش و مبارزه میکنند.

کارزار برای جلب همبستگی بین‌المللی کارگری و رساندن صدای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به سطح جهانی ادامه دارد. به هر شکل که می‌توانید با این کمپین همکاری کنید.

هم اکنون سه تن از رهبران کارگری جعفر عظیم‌زاده، جمیل محمدی و بهنام ابراهیم‌زاده در انفرادی ۲۰۹ بسر می‌برند و از آنها خبری

اطلاعیه شماره ۱۸۷

بدنبال تماس با سازمانهای کارگری در سراسر جهان، اتحادیه ث ژ ت در فرانسه شعبه بسانکون طی نامه ای ضمن محکوم کردن دستگیری فعالین کارگری در روز جهانی کارگر در ایران، خواستار آزادی فوری همه کارگران زندانی شد. در این نامه همچنین بر حق تشکل، اعتصاب، و برپایی تظاهرات بعنوان حقوق پایه ای کارگران تاکید شده است. در این نامه چنین آمده است:

"همزمان با راهپیمایی های ما کارگران در شهر "بسانکون فرانسه" و سایر شهرهای جهان در روز جهانی کارگر اول مه، در تهران و سایر شهرهای ایران جمهوری اسلامی فعالین کارگری و اتحادیه ای را که بخاطر اول مه تجمع کرده بودند مورد حمله قرار داد و دستگیر کرد. جعفر عظیم‌زاده، و جمیل محمدی روز ۳۰ آوریل دستگیر شدند، و پروین محمدی و شاپور احسانی راد روز اول مه دستگیر شدند. ۲۳ کارگر شرکت اتوبوسرانی واحد نیز دستگیر شدند.

فدراسیون ث ژ ت شعبه بسانکون نگرانی خود را در مورد وضعیت جعفر عظیم‌زاده و جمیل محمدی که هنوز در زندان اوین زیر بازجویی هستند ابراز می‌دارد. ما خواهان آزادی فوری

مسببین قتل عام در معدن سوما باید محاکمه شوند!



کارگران و مردم آزادیخواه ترکیه، مرگ بیش از ۲۰۰ کارگر و مفقود شدن و محبوس ماندن صدها معدنچی دیگر در عمق ۱۵۰۰ متری معدن سوما قلب کارگران و مردم آزادیخواه جهان را بدر آورده است. مسبب اصلی این جنایت طبقه سرمایه دار حریص و دولت اسلامیشان است و بس.

خانواده های داغدار معدنچیان جانباخته، کشتار در معدن سوما یک قتل عام است که قاتلین اصلیش میلیاردهایی هستند که به جان و زندگی میلیونها کارگر ترکیه ذره ای ارزش قائل نیستند. حکم قتل این کارگران عملاً توسط دولت اسلامی اردوغان صادر شده است که در بیش از دو دهه حاکمیتش کاری جز هموار کردن راه چپاول طبقه صاحب سرمایه نداشته است؛ دولتی که کارش تصویب و به اجرا گذاشتن قوانین ضد کارگری بوده است؛ دولتی که در همین ماههای اخیر در مقابل هر تلاشی برای ارتقا ایمنی محلهای کار و مشخصاً همین معدن سوما ایستاده است! اعلام عزای عمومی توسط دولت اردوغان فقط

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری خود را در این درد و رنج عمیق شما شریک میدانند، از اعتراض بحق شما علیه این جنایت حمایت میکند و اعلام میکند مسببین این قتل عام باید محاکمه شوند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳
۱۴ مه ۲۰۱۴

یک اشک تمساح است. اشک ریاکارانه و رذیلتانه از طرف دولتی است که همین امروز زنجیر سرکوبگرانش را باز کرده است و به جان معترضین علیه این جنایت انداخته است. دولت اردوغان از خشم و نفرت شما خانواده های معدنچیان میترسد که عزیزانتان را در یک چشم به هم زدن به کام مرگ فرستاده است! این دولت از گسترش اعتراض کارگران و مردم شریف ترکیه میترسد که جانبان اصلی را میشناسند و اعتراضات گسترده ای را آغاز کرده اند.

تظاهرات گسترده در ترکیه در اعتراض به انفجار معدن دراثر انفجار در یک معدن ذغال سنگ در شهر سوما در نواحی غرب ترکیه صدها کارگر معدن جان باختند!

معدن ذغال سنگ تظاهرات وسیعی با شرکت هزاران نفر برگزار شده است. نیرو های پلیس با گاز اشک آور و ماشین های آبپاش به تظاهر کنندگان حمله کرده اند.

در هنگام انفجار، تعداد ۷۸۷ نفر در معدن وجود داشتند.

تعداد کشته شدگان تا زمان نوشتن این گزارش ۲۳۸ نفر اعلام شده است. از سرنوشت بیش از صد نفر دیگر از کارگران معدن هنوز اطلاعی در دست نیست.

کارگران معدن از سیستم و شیوه های رعایت ایمنی معدن همیشه ناراضی بوده اند و میگویند مقامات مسئول، هرگز ب فکر رعایت سلامتی کارگران نبوده و مثل تمام شبکه های سرمایه داری در صدد تأمین سود برای خودشان بوده اند. بزرگترین اتحادیه کارگری ترکیه فراخوان یک اعتصاب برای روز پنجشنبه داده است. این اتحادیه اعلام کرد است که فاجعه معدن ذغال سنگ نتیجه سیاست خصوصی سازی و کاهش هزینه ها به قیمت جان کارگران است.

اعتراضات وسیعی در اعتراض به دولت و سرمایه داران در ترکیه جریان دارد. در شهرهای آنکارا، استانبول و ازمیر و همچنین در اطراف

فاضل نادری

بهنگام تعویض کارگران شیفتی معدن ذغال سنگ در شهر سوما، در اثر انفجار عظیم گاز یک ترانسفورماتور در درون معدن، آتش سوزی مهیبی در مرکز تأسیسات برقی معدن، رخ داد و بدین صدها کارگر معدن زیر آوار و در میان شعله های آتش محبوس شدند. در حالیکه مأمورین آتش نشانی در طول تلاش و کوششان از توانستند، بالغ بر ۳۰۰ نفر از کارگران آسیب دیده را از مرگ نجات بدهند، همچنان صدها کارگر در درون و در زیر آوار معدن، در عمق دو کیلومتری با مرگ درگیر بمانند.

کارکنان آتش نشانی مشغول پمپ کردن اکسیژن بدرون آن قسمت از معدن هستند که احتمال میدهند، کارگران محبوس و مصدوم ولی زنده وجود دارند. لیکن مأمورین نجات، امیدی برای نجات آنها ندارند. برآورد میشود که



با تمام قوا برای آزادی زندانیان سیاسی

دستور میگذاریم و همه ایرانیان مقیم خارج و کلیه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون را نیز فرامیخوانیم که فعالیت خود را در دفاع از زندانیان سیاسی و برای آزادی فوری آنها تشدید کنند و با تمام قوا و در شهرهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی و هر جا که حضور دارند به میدان بیایند. روزی که در زندان ها بدست مردم شکسته میشود و عزیزان مردم به آغوش خانواده هایشان برمیگردند دور نیست. سهم خودمان را در این مبارزه شکوهمند ادا کنیم.

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مه ۲۰۱۴

همبستگی است. کیست که نداند در چنین فضائی، مبارزه ما در خارج کشور تاثیرگذارتر از همیشه است. جا دارد ایرانیان مقیم خارج نیز همراه با این قهرمانان به زنجیر کشیده، تلاش شایسته و نوینی را شروع کنند. جا دارد که اجتماعات، بزرگتر و همبسته تر باشد. سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسان جهان را باید بیشتر از همیشه مطلع و تشویق به حمایت از زندانیان سیاسی شوند. دولت های دنیا باید تحت فشار دائمی این جنبش باشند و جرات نکنند که با حکومت دیکتاتوری تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری این مساله را عرصه بسیار مهمی از مبارزه برای عقب راندن حکومت و سرنگونی آن میدانند و به سهم خود از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد. ما فعالیت مستمری را در



حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

وضعیت زندانیان سیاسی و رهبران کارگری زندانی و تلاش برای بیرون آوردن این عزیزان از سیاهچال های حکومت يك بارومتر مهم اوضاع سیاسی ایران است. در جریان حمله به بند ۳۵۰ اوین زبونی و شکنندگی حکومت برای مردم بیشتر عیان شد. مجبور شدند در مقابل مردم خشمگین و معترض رئیس زندانهایشان را عوض کنند و این حاصل مقاومت شجاعانه زندانیان و مبارزه مستمر خانواده هایشان بود.

صدای پرقدرت زندانیان بر آسمان ایران رعد میزند و می غرد. این صدای نسل شکست نخورده ای است که شایسته وسیعترین پشتیبانی و

قصاص و تلاش برای شریک کردن خانواده های مقتول در جنایات حکومت با موجی از بخشش خانواده ها و بی خاصیت کردن قانون ضدانسانی قصاص مواجه شده است. حکم اعدام ریحانه با اعتراض و دخالت بسیاری از مردم به بی آبرویی کامل برای حکومت و سیستم قضائی اش تبدیل شده است. بسیج اوباش حکومت برای جلوگیری از برپائی روز جهانی کارگر بیشتر از آنکه کارگران و مردم را بترساند، ترس خود حکومت را به نمایش گذاشت. هوای ناسالم شهرها هزاران جوان را به میدان اعتراض کشانده است و زنان بی حجابی را گسترش داده اند و دستگاه های سرکوب را ناتوان کرده اند.

خطاب به ایرانیان مقیم خارج فصل نوینی از مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی شروع شده است. مردم به اشکال متنوع و با ابتکارات تازه به میدان میایند. زندان و زندانی به یکی از مهمترین مسائل جدی رودررویی جامعه ایران و دنیای متعلم در تقابل جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

حمله به زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین به قصد ارباب زندانیان سیاسی و کل جامعه صورت گرفت با ضد حمله زندانیان، خانواده هایشان و مخالفین رژیم پاسخ کوبنده گرفت و به ضربه ای علیه خود حکومت تبدیل شد.

اعدام ها و قانون کشیف

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

دعوت و نشست دولت آلمان و شرکایش با جانیان جمهوری اسلامی محکوم است!

دادگاه هاست نه در تریبون های حامیانشان. همه سران و مقامات بلند پایه این رژیم به جرم ارتکاب جنایت برعلیه بشریت باید دستگیر و محاکمه گردند. دفاتر و سفارتخانه های رژیم جمهوری اسلامی در خارج کشور از جمله آلمان بسته و نمایندگان آنها باید اخراج شوند.

در اعتراض به این نشست تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری برای روز جمعه ۲۳ مه فراخوان تظاهرات در محل برگزاری این نشست را داده است. ما همه مخالفان جمهوری اسلامی وانسانهای آزادیخواه را فرامیخوانیم که در این تظاهرات شرکت کرده و با صدای رسا اعلام کنیم که مردم ایران جمهوری اسلامی نمی خواهند، که هر گونه مماشات و چانه زنی دولت آلمان با جانیان و حکومت آدمکشان جمهوری اسلامی از نظر مردم ایران محکوم و مردود می باشد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان ۱۲ مه ۲۰۱۴

سرکار آمدن دولت روحانی میگذرد بیش از ۴۰۰ نفر اعدام شده اند. صدها نفر به بهانه های مختلف دستگیر و در زندان می باشند. اذیت و آزاد فعالین کارگری، دانشجویی و فعالین زنان ادامه دارد.

دعوت از مقامات رژیم و فرش قرمز پهن کردن زیر پای متهمان و جنایتکاران جمهوری اسلامی، یک دهن کجی آشکار به مبارزات مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی می باشد. دولت آلمان و شرکایش با این دعوت عملاً در تائید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم برعلیه مردم در مقابل خواست برحق مردم ایران برای رهایی از نکبت جمهوری اسلامی قرار گرفته و اسپانسور و حامی حکومت صدهزار اعدام شده اند.

مماشات و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی دولت آلمان و شرکایش با جمهوری اسلامی محکوم بوده، این سیاست دولت آلمان مورد نفرت و انزجار مردم ایران و مخالفان رژیم در این کشور می باشد. جای این جنایتکاران و آدمکشان در

به دعوت اطاق بازرگانی ایران- آلمان و با پادرمیانی حزب سبزه های آلمان قرار است روز جمعه ۲۳ ماه مه نشست مشترک ایران و آلمان در شهر فرانکفورت برگزار شود. در این نشست مسئولان دولت آلمان، سران صنایع این کشور به همراه هیاتی از جمهوری اسلامی با شرکت سفیر رژیم در آلمان شرکت خواهند کرد. موضوع این نشست گسترش روابط اقتصادی و راههای سرمایه گذاریهای شرکت های آلمانی در ایران می باشد. دولت و احزاب پارلمانی آلمان از بدو روی کار آمدن دولت روحانی بر گسترش روابط دو طرف تاکید کرده و تا کنون چندین نشست در این باره برگزار کرده اند.

دولت، پارلمان و سران صنایع آلمان در حالی با مقامات رژیم صد هزار اعدام مشغول تدارک گسترش روابط اقتصادی می باشند که در ایران دولت روحانی سرکوب، اعدام های گسترده، دستگیری فعالین کارگری و ایجاد محدودیت های سیاسی و اجتماعی را در دستور خود قرار دارد. در طول هشت ماهی که از

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال

جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در
هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود